

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های ادبی - قرآنی»
سال چهارم، شماره دوم (تابستان ۱۳۹۵)

نقد و تحلیل ساختار ادبی و محتوایی آیه تطهیر

ابراهیم ابراهیمی^۱

چکیده:

موضوع این تحقیق، نقد و تحلیل ساختار ادبی و محتوایی آیه تطهیر است، بعضی از دانشمندان مفاد آیه تطهیر را مطلق دانسته و از باب اراده تشریحی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، بطور خاص و خاندان آن حضرت بطور عام نیز مشمول آن دانسته اند و بعضی دیگر صرفاً مراد از رجس، رجس باطنی و مقصود از تطهیر، تطهیر باطنی می دانند. ما در این تحقیق ابتدا از نظر ادبی، واژگان «رجس» و «تطهیر» را با توجه به نظر لغت شناسان و مفسیرین بنحو اطلاق تبیین نموده ایم؛ آنگاه با توجه به قرائن داخلی و با عنایت به تبدیل ضمیر مؤنث به ضمیر مذکر. (عَنْكُمْ نه عَنْكُمْ / وَيُطَهَّرُكُمْ نه وَيُطَهَّرُكُنَّ) با توجه به اینکه تمام ضمائر به کار رفته در آیات هفت گانه، هماهنگ با یکدیگر نمی باشد، همسران پیامبر را مشمول آیه تطهیر ندانسته و از نظر محتوایی با توجه به اینکه خطاب‌هایی که به همسران پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شده، با عتاب؛ اما خطاب در آیه تطهیر، با اکرام و احترام همراه است. آن را نشان از عدم وحدت سیاق دانسته و به این نتیجه رسیده ایم که مراد از اراده، اراده تکوینی و منظور از اهل البیت ذوات نوریه آن حضرات علیهم السلام، و مقصود از تطهیر، پاک نگهداشتن آنان بنحو دفع، از هر چیزی که ناپسند و خلاف طبع آدمی است، می باشد.

کلید واژه‌ها: رجس، تطهیر، قرائن، اراده تکوینی، اراده تشریحی، اهل بیت.

** تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۰۵/۱۲ تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۰۹/۱۳

^۱ نویسنده مسئول: دانشیار گروه الهیات دانشکده علوم انسانی دانشگاه اراک e-ebrahimi@araku.ac.ir

بیان مسئله

قرآن کریم در سوره احزاب در لابلای آیاتی که مربوط به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است، با تبدیل ضمیر مؤنث به ضمیر مذکر و با تغییر خطاب‌های عتاب آمیز به خطاب‌های کرامت بخش، گروهی را از خاندان آن حضرت مورد عنایت قرار می دهد آنجا که می فرماید: «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَ أَسْرَحْكُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً (۲۸) وَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْراً عَظِيماً (۲۹) یا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيراً (۳۰) وَ مَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تَعْمَلْ صَالِحاً نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَ أَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقاً كَرِيماً (۳۱) یا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفاً (۳۲) وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ اطَّعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيراً (۳۳) وَ اذْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَ الْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفاً خَبِيراً (۳۴)» در باره آیات شریفه، قرآن پژوهان و مفسرین مباحث مفید و مبسوط و قابل تقدیری مطرح نموده اند. ما در این تحقیق از دوناچیه به آیه شریفه می نگریم یکی از ناچیه ادبی و قرائن داخلی و دیگری از جهت محتوایی و قرائن خارجی، و از این دوناچیه درصدد پاسخ به این سوال هستیم که آیا رجس بنحو اطلاق است و هر نوع رجس ظاهری و باطنی را شامل می شود یا صرفاً باطنی منظور است؟ ابتدا به واژگان رجس و تطهیر می پردازیم و سپس آیه تطهیر را اجمالاً از نظر ادبی و محتوایی بررسی و با قرائن داخلی و خارجی مصادیق اهل بیت را تبیین می کنیم و یافته های خود را ارائه می دهیم.

بررسی واژگان رجس و تطهیر

واژه «رجس» به معنی شیء ناپاک است؛ خواه ناپاک از نظر طبع آدمی باشد یا به حکم عقل یا شرع چنانچه راغب در مفردات می گوید: «رجس» چهار وجه دارد: یا چیزی که طبیعتاً ناپاک و پلید است. یا چیزی که عقلاً ناپاک و پلید است. یا چیزی که شرعاً ناپاک و پلید است. و یا از هر سه جهتی که ذکر شده، پلید است. مثل: مردار، زیرا مردار از دیدگاه عقل و طبع و شرع پلید است.

ابن فارس، در مقائیس اللغه، معنی اولیه رجس را اختلاط و درهم آمیختگی و معنی دوم آنرا پلیدی می‌داند که بخاطر آمیزش پاکی و ناپاکی حاصل می‌شود. ((ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۹۰))

ز مخشری در اساس البلاغه، عینا نظر ابن فارس را ارائه می‌دهد و می‌نویسد: معنی اصل رجس - آمیزش و معنی مجاز آن عذاب است زیرا عذاب جزاء آن چیزی است که نام رجس بطور استعاره به آن داده شده است. (اساس البلاغه ۱۵۵)

مکارم شیرازی می‌نویسد: اینکه در بعضی از کلمات، «رجس» به معنی «گناه» یا «شرک» یا «بخل و حسد» و یا «اعتقاد باطل» تفسیر شده، در حقیقت بیان مصداق هائی از آن است، و گرنه مفهوم این کلمه، مفهومی عام و فراگیر است، و همه انواع پلیدیها را به حکم اینکه الف و لام در اینجا «الف و لام جنس» است، شامل می‌شود (مکارم، تفسیر نمونه، ج ۱۷ ص ۲۹۳)

بنابراین هر چیز ناپسند و هر زشتی نفرت انگیز که طبع انسان از آن متنفر باشد، «رجس» است، خواه ظاهری باشد؛ مانند میته، خون و خوک: (الآن یكون میتهً أو دمًا مسفوحًا أو لحم خنزیر فائنه رجس) (انعام، آیه ۱۴۵)؛ خواه باطنی و معنوی باشد؛ مانند رذایل اخلاقی: (وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ) (توبه، آیه ۱۲۵)

نظر برخی مفسران پیرامون کلمه «الرجس» در آیه تطهیر:

ابن عطیه اندلسی و ثعالبی در تعبیری کاملاً مشابه «رجس» را اسمی می‌دانند که شامل گناه، عذاب، نجاسات و هرگونه نقصی می‌شود، و خداوند تمام آن‌ها را از اهل بیت دور کرده است. (ابن عطیه الأندلسی، ۱۴۱۳، ص ۲۶۷)، (ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۴۶)

ألوسی در تفسیر روح المعانی با اشاره به جنس یا استغراق بودن «الف و لام» در «الرجس» مقصود از رجس را در این آیه شریفه، اعم از همه آلودگی‌ها و نقائص مادی و معنوی می‌داند که شامل گناه، عذاب، نجاست و هرگونه نقصی می‌شود، و مقصود از رجس در آیه تطهیر اعم از همه این معانی است... و الف و لام «الرجس» برای جنس و یا استغراق است» (ألوسی، ۱۴۱۴، ج ۲۲، ص ۱۲)

علامه طباطبایی رجس را صفتی از ماده رجاست، یعنی پلیدی، و قذارت می‌دانند و ذکر می‌کنند: «پلیدی و قذارت هیأتی در نفس آدمی است، که آدمی را وادار به اجتناب و

نفرت می‌نماید.» ایشان با بیان اینکه «الف و لام» بر سر کلمه «الرجس» در آیه شریفه تطهیر الف و لام جنس است تصریح می‌کنند که خدا می‌خواهد تمامی انواع پلیدی‌ها، و هیأت‌های خبیثه، و رذیله، را از نفس شما (اهل بیت) ببرد. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۶۷)

واژه «طهارت» از ریشه «طهر» و نقطه مقابل نجاست است. مصطفوی در التحقیق: طهارت را به دو بخش مادی و معنوی تقسیم کرده، به بررسی مصادیق آن می‌پردازد «(مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص ۱۲۷)

راغب در مفردات طهارت را به طهارت جسمی و روحی تقسیم می‌کند و می‌گوید: «الطَّهَارَةُ ضَرْبَانِ: طَهَارَةُ جَسْمٍ، وَ طَهَارَةُ نَفْسٍ» طهارت دو گونه است: طهارت جسم و طهارت نفس، که عموم آیات قرآن بر این دو معنی حمل شده است. طهارت جسمی مثل آیه شریفه «وَوُنزِلَ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءٌ لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ (انفال/۱۱)

و طهارت روحی مثل آیه شریفه «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ لِيَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ. مائده/۶»

نظر برخی مفسران پیرامون کلمه «تطهیر» در آیه تطهیر:

طبری کیهاسی احتمال می‌دهد که مراد از تطهیر ممکن است تطهیر از حدث باشد «إنما أراد به التطهیر من الذنوب، و یحتمل التطهیر من الأحداث و الجنابة. فکأنه قال: هذه الأفعال لیست واجبة لذواتها، و إنما هی لمقصود، و هو حصول الطهارة عن الأحداث بها فهو المقصود و المغزی (طبری) (الکیا هراسی) أحكام القرآن، ج ۳، ص: ۶۰.

استاد مطهری می‌فرماید: «تطهیری» که این آیه بیان می‌کند، در درجه اول، از آن چیزهایی است که خود قرآن آنها را رجس می‌داند. هرچه که قرآن از آن نهی می‌کند، هرچه که گناه شمرده می‌شود، می‌خواهد گناه اعتقادی باشد یا گناه اخلاقی و یا گناه عملی. اینها رجس و پلیدی است. این است که می‌گویند مفاد این آیه، عصمت اهل بیت یعنی منزّه بودن آنها از هر نوع آلودگی است. (مطهری، مجموعه آثار ج ۴ ص ۷۷۹)

مفاد عبارت «وَوَطَّهَّرَكِ» سوره آل عمران

برای روشن شدن معنای تطهیر اشاره ای اجمالی به عبارت «وَوَطَّهَّرَكِ» در سوره آل عمران می‌پردازیم. در سوره آل عمران خطاب به حضرت مریم آمده است (وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَأِكَةُ يَا

مَرِيْمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (آل عمران، ۴۲) یا مَرِيْمُ
اَفْتُنِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (آل عمران، ۴۳)

علامه طباطبایی در ذیل این آیه سخن بسیاری از مفسرین را مبنی بر این که منظور از «تطهیر» حضرت مریم (ع) بتول شدن اوست تأیید کرده و بیان می‌کنند: «بتول به معنای زنی است که حیض نمی‌بیند و خدای تعالی او را بدین جهت بتول قرار داد که ناگزیر نشود در ایام حیض از کلیسا بیرون رود.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۹۵)

فخر رازی در ذیل آیه مورد بحث پنج وجه را برای تطهیر ذکر کرده که یکی از آنها طهارت از حیض است و بیان می‌دارد که حضرت مریم (ع) هیچگاه حائض نمی‌شدند. (فخر رازی، ۱۴۰۵، ج ۸، ص ۲۱۸)

شیخ طوسی پیرامون واژه طهارت دو قول را مطرح می‌کند؛ یکی قول حسن و مجاهد که منظور از طهارت را پاکی از کفر می‌دانند و دیگری قول زجاج که طهارت را پاکی از همه ناپاکی‌ها و آلودگی‌ها نظیر حیض و نفاس و مانند آن می‌داند. «(و طَهَّرَكِ) فی معناه قولان: أحدهما قال الحسن و مجاهد: طهرک من الکفر. و الثانی ذکره الزجاج أن معناه طهرک من سائر الأدناس: الحيض، و النفاس، و غیرهما.» (شیخ طوسی، ج ۲، ص ۴۵۶)

امین الاسلام طبرسی به نقل از حسن و سعید ابن جبیر طهارت را، پاکی از همه آلودگی‌ها و کثافتاتی مانند حیض و نفاس که عارض زنان می‌شود، می‌داند تا حضرت مریم (ع) شایستگی خدمت در مسجد را داشته باشد. (طبرسی، ج ۲، ص ۷۴۶)

سیوطی نیز از طریق ابن ابی حاتم از سدی، تطهیر در این آیه را طهارت از حیض می‌داند. «(سیوطی، ج ۲، ص ۲۴) جصاص، در کتاب احکام القرآن، طهارت را در این آیه، طهارت از همه انجاس و ارجاس نظیر حیض و نفاس و غیر آن دانسته است (جصاص، ج ۲، ص ۲۹۳)

جوادی آملی در ذیل این آیه «طَهَّرَكِ» را علاوه بر تطهیر از عادت ماهانه، تطهیر از همه رذایل اخلاقی و اتهامات ناروای مردم بر حضرت مریم (ع) دانسته و اعم از طهارت ظاهری و باطنی می‌داند. (جوادی آملی، ج ۱۴، ص ۲۳۳)

بنابراین، اگر حضرت مریم که شامل اصطفا‌ی الهی قرار گرفت و خداوند وی را از ارجاس و انجاس ظاهری چون حیض و نفاس و رذایل اخلاقی و معنوی پاک و تطهیر کرده است، به طریق اولی این طهارت شامل مخاطبین آیه تطهیر نیز می‌شود و آنان نیز از این ارجاس و

پلیدی‌ها مبراً بودند. وبستن همه درب خانه‌های صحابه به مسجد بجز درب خانه علی (ع) نیز می‌تواند موید این مطلب باشد.^۲

بررسی ادبی آیه تطهیر

خداوند در سوره احزاب می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (احزاب/۳۳)»

«إنما» از کلمات حصر است و بدین معناست که خدای سبحان درباره (اهل‌البيت) اراده‌ای جز تطهیر و اذهاب رجس ندارد. (طباطبایی، ج ۱۶، ص ۳۰۹) چون حصر دارای دو مدلول ایجابی و سلبی است و این حصر، حصر در افراد است یعنی اراده اذهاب رجس از افراد خاصی که مراد اصحاب کساء است نه حصر در موضوع که شامل دیگران هم بشود. که با اراده تشریحی سازگار است و بعداً خواهد آمد. «یُرِيدُ»: فعل مضارع از ریشه «رَوَدَ» به معنای طلب همراه با اختیار و انتخاب است. (التحقیق ماده ورد) خصوصیت فعل مضارع، دوام و استمرار است، در نتیجه «یرید» به معنای خواسته همیشگی، مستمر و دائمی است. (جوادی آملی، ج ۳، ص ۳۸۱) مراد از اراده در این آیه، اراده تکوینی است نه تشریحی، (ألوسی، ج ۱۲، ص ۲۷) زیرا اراده تشریحی بر تطهیر و اذهاب رجس درباره همگان حتی کافران و فاسقان نیز وجود دارد، چون خداوند از آن‌ها نیز خواسته است که با ترک کفر، شرک و معصیت راه صحیح هدایت را بیمایند. «الله» فاعل یرید است و اسناد اراده ذهاب رجس و تطهیر به خدا، بیانگر عظمت کار و وتخلف ناپذیری آن است. «یُذْهِبُ»: فعل مضارع باب افعال از ریشه «ذهب» به معنای «رفتن» است. این ریشه معنای لازم دارد و با رفتن به باب افعال و نیز با حرف جرّ، متعدّی می‌شود و به معنای بُردن، راندن و دور کردن کسی یا چیزی از محلی معین است. لام در «لیذهب» لام لیذهب یا لام تعلیل است یا لام

۲- ۴- حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْحَافِظُ الْبَغْدَادِيُّ رَجَمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا خَلْفُ بْنُ سَالِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا عُذْرَةُ قَالَ حَدَّثَنَا عَوْفٌ عَنْ مَيْمُونِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ قَالَ: كَانَ لِنَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صِ أَبْوَابٌ شَارِعَةٌ فِي الْمَسْجِدِ فَقَالَ يَوْمًا سَدُّوا هَذِهِ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ فَتَكَلَّمُوا فِي ذَلِكَ النَّاسِ قَالَ فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صِ فَخَبِرَهُ اللَّهُ وَ أَتَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا بَعْدُ فَإِنِّي أَمَرْتُ بِسَدِّ هَذِهِ الْأَبْوَابِ غَيْرَ بَابِ عَلِيٍّ فَقَالَ فِيهِ قَاتِلُكُمْ وَ إِنِّي وَ اللَّهُ مَا سَدَدْتُ شَيْئاً وَ لَا فَتَحْتُهُ وَ لَكِنِّي أَمَرْتُ بِبَيْتِي وَ قَاتِلَيْتُهُ. (الأمالي للصدوق)؛ النص؛ ص ۳۳۳

۵- حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ النَّجَّيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي سَيِّدِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صِ لَا يَجُلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يُحِبَّ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ إِلَّا أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ مَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ قَائِلِهِمْ مِنِّي. (الأمالي للصدوق)، النص، ص: ۳۳۴

تاکید برای یرید الله است؛ یعنی خداوند چنین اراده کرده است؛ اراده ای که به فعل خدا تعلق گرفته است. «عنکم»: جار و مجرور و مفعول با واسطه برای «أذهب» است که ضمیر «کم» آن خطاب به «اهل بیت» است. این کلمه، طبق قواعد ادبی باید پس از مفعول بی واسطه یعنی «الرجس» می آمد؛ ولی مقدم شده تا افاده حصر کند. «الرجس»: «ال» در «الرجس» برای جنس یا استغراق است و هرگونه ناپسندی مادی و معنوی را شامل می شود. «یطهّر» صیغه اول مضارع از باب تفعیل است. ماضی آن طَهَّرَ وثلاثی مجرد آن «طَهَّرَ» و «طَهَّرَ» مقابل نجاست و قذارت است، خواه در امور مادی باشد، مانند: «ثیابک فطهّر» (مدثر/۴) در امور معنوی، مانند: «لکم أطهّر لقلوبکم» (احزاب/۵۳) «کم» ضمیر جمع مذکر مخاطب است که خطاب به همان (اهل البیت) می باشد. «تطهیراً»: این کلمه مصدر باب تفعیل و مفعول مطلق تأکیدی و تنوین آن برای تعظیم است؛ یعنی تطهیر ویژه از باب تفضل و کرامت است. فخر رازی معتقد است که «تطهیر»، معنای اضافه ای دربر دارد، نه اینکه تکرار همان «أذهب رجس» باشد، زیرا گاهی رجس برطرف می شود؛ ولی محل آن تطهیر نمی گردد. بدین ترتیب، «أذهب رجس» به ازاله ذنوب اشاره دارد و «تطهیر»، به پوشاندن خلعت کرامت (فخر رازی، ج ۱۳، ص ۲۱۰)، پس در این آیه تنها به ازاله و اذهب رجس از مخاطبان اکتفا نشده است، بلکه به برخورداری از خلعت کرامت طهارت نیز متصف شده اند. (جوادی آملی، ج ۵، ص ۲۱) «أهل» در لغت به معنای انس همراه با تعلق خاطر و وابستگی است (التحقیق ماده أهل) بنابراین، همسر، فرزند، نوه، داماد و... اهل انسان به حساب می آیند. چنان که استعمال اهل الكتاب، اهل التقوی، اهل النار... با در نظر گرفتن همین انس، تعلق و وابستگی است. شدت و ضعف در اهلیت، به شدت و ضعف در انس و تعلق بستگی دارد. از این رو ممکن است از کسی که وابستگی و تعلق خاطری با او نیست، سلب اهلیت شود هر چند که جزو فرزندان انسان باشد؛ همان گونه که خدا به حضرت نوح علیه السلام فرمود: إِنَّ لَیْسَ مِنْ أَهْلِکَ (سوره هود، آیه ۴۶). «بیت» به معنای خانه است، جایی که انسان شبانگاه در آنجا پناه می گیرد (مفردات، ماده بیت) و منظور از «أهل البیت» «اهل بیت النبوة» است، زیرا «لام» در «البیت» بدل مضاف إلیه محذوف بوده، اصل آن «اهل بیت النبوة» است و پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به عنوان کسی که پیغمبری قائم به او است، قطعاً داخل در «بیت النبوة» خواهد بود. نتیجه

این که فضیلت اذهاب رجس و کرامت تطهیری که در آیه محلّ بحث آمده، شامل خود رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌شود.

در ضمن در آیات احزاب صنعت التفات بکار رفته یعنی از مونث به مذکر واز مذکر به مونث، چنانچه در سوره حمد اینگونه است یعنی از غائب به مخاطب^۳.

در مجموع با توجه به حصر و اطلاق این آیه شریفه مبنی بر اذهاب «الرجس»، و نیز «الف و لام» همراه این کلمه، آیه بیانگر از بین بردن هرگونه پلیدی مادی و معنوی و عیوب ظاهری و باطنی و حتی نواقص و کمبودهای آشکار و پنهان، صرفاً از مخاطبان خود یعنی اهل بیت عصمت و طهارت (ع) است.

بررسی محتوایی آیه تطهیر:

در آیه شریفه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (احزاب/۳۳)» کلمه «یرید» و کلمه «اهل البیت» مورد مناقشه قرار گرفته است.

الف- مقصود از اهل بیت در آیه شریفه «تطهیر» کیست؟

در رابطه با عبارت «أَهْلَ الْبَيْتِ» در کلامات اندیشمندان سه احتمال متصور است .

۱ - منظور از اهل بیت همسران رسول خدا هستند. چنانچه طبری از علقمه از قول عکرمه آورده است، عکرمه^۴ در بازار فریاد می زد که آیه تطهیر در شأن همسران رسول خداست

۳ - صنعتی است که شاعر به خاطر تنوع بخشیدن کلام خود از مخاطب به غایب، از غایب به مخاطب و امثال اینها توجه کند و روی سخن را از یک طرف به طرف دیگر بگرداند. در اصطلاح بدیع، التفات بر دو نوع است: ۱- قسم اول اینکه در سخن از غیبت به خطاب یا بر عکس از خطاب به غیبت منتقل شوند، و این عمل از لطایف تَفَنُّنِ ادبی است. ۲- قسم دوم اینکه سخن را تمام کنند، آنگاه جمله یا مصراع و یا بیتی بیاورند که خود مستقل باشد، اما با سخن قبل مربوط شود، و موجب حسن کلام گردد. شاعر (سعدی) در اینجا یاری را که غایب است، مخاطب قرار داده است .

بار غمت می کشم وز همه عالم خوشم گر نکند التفات یا نکند احترام

۴ - عکرمه فرزند ابوجهل است واز دشمنان سرسخت امیرالمومنین علیه السلام است، و می توان حدس زد که نظریه ی او، ناشی از عداوت شخصی با امام است .

سید بزرگوار معاصر علامه سید شرف الدین عاملی در کتاب «الکلمه الغراء فی تفضیل الزهر اسلام الله علیه» می گوید: سر دسته ی طایفه ی مهمی از خوارج است و معتقد بود که تمام مسلمین کافرند و مسلمان واقعی که از اسلام حقیقی بر خوردار است تنها خوارچند .
خالد بن عمران می گوید: در موسم حج، از عکرمه شنیدم می گفت: «اگر کلیدی حاج را که در مناسک حج حضور

(طبری ج ۲۲ ص ۷-۸) این قول چون مستند به رسول خدا(ص) نیست و براساس اجتهاد شخصی عکرمه بوده و از سیاق آیات استفاده کرده است، مورد قبول نیست. زیرا اولاً؛ ضمائر آیات (یا نساء النَّبِيِّ... وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ... لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ... أَهْلَ الْبَيْتِ... وَ اذْكُرْنَ...) وجود وحدت سیاق^۵ را نفی می کند ثانياً؛ اگر «عنکم» اگر شامل همسران پیامبر هم می شد باید «واذکرن» که توبیخ نیست مذكر می آمد که شامل مردان هم بشود ثالثاً، با روایات ام سلمه و سعید خدری که نص می باشد، مخالف است که اجتهاد درمقابل نص است.

۲- با توجه به آیه ی ۷۳ سوره هود که می فرماید: «قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتِ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» کلمه «اهل البيت» در همسران و فرزندان و کسانی که به نوعی با پیامبر پیوند دارند مانند: آل عبدالمطلب، آل ابوطالب...، ظهور دارد. اولاً، این قول چون از روی اجتهاد و مخالف روایت ام سلمه و سعید خدری و دیگران است، نیز مورد قبول نمی باشد. ثانياً، منظور از «أَهْلَ الْبَيْتِ» اهل البيت نبوت است نه

دارند از دم شمشیر بگذرانم به منتها آرزوی خود رسیده ام. «در باره ی آیات متشابهه ی قرآن می گفته: «هدف باری تعالی از فرو فرستادن اینگونه آیات چیزی جز گمراه کردن مردم نیست. از این مسیب هم حکایت شده که به غلام آزاده شده ی خود گفت: «مبادا همچون عکرمه که بر مولایش ابن عباس دروغ می بست، نسبت به خلاف واقع بمن دهی. بنابراین اگر نظری شخصی درباره^۶ آیه ی تطهیر ابراز دارد، ایده ی او در این نظریه، جز دشمنی با امام نیست، و اگر به عنوان روایت از ابن عباس است، این روش اوست که بر مولای خود دروغ می بندد، مخصوصاً با در نظر گرفتن اینکه از ابن عباس، روایات متعددی نقل شده که حکایت از عدم شمول آیه ی تطهیر، نسبت به زنان پیغمبر می کند.

^۵ - وحدت سیاق در صورتیکه وحدت مخاطب را به همراه داشته باشد یعنی تمام ضمائر به کار رفته در آیات هفت گانه، هماهنگ با یکدیگر باشند ثانياً؛ وحدت سیاق در جایی صحیح است که بدانیم متکلم در صدد بیان یک مطلب است، اما در جایی که قرینه داریم که متکلم در صدد بیان چند مطلب است، ادعای وحدت سیاق، بدون شاهد خواهد بود. ثالثاً؛ خطاب هایی که به همسران پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شده، با عتاب همراه است؛ زیرا تهدید به طلاق: أمتعنن وأسرحنن... تهدید به عذاب: يُضاعف لها العذاب... دستور به ماندن در خانه قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ و... شده اند. در حالی که خطاب در آیه تطهیر، با اکرام و احترام همراه است. این نشانه عدم وحدت سیاق است.

خانه معمولی ، چنانچه زمخشری در کشاف آورده است^۶ (زمخشری، ۱۴۰۷ ، ج ۲، ص: ۴۱۲)

۳- با توجه به قرائن داخلی و خارجی آیه بر افراد خاصی دلالت می کند و آنان طبق نقل ام سلمه رسول خدا و علی و فاطمه و حسنین علیهم السلام یا بعبارت دیگر اصحاب کساء هستند.

الف) قرائن داخلی:

۱- الف و لام در «البیت» الف و لام معهود است که اشاره به یک بیت معهود دارد نه استغراق و جنس ؛ زیرا اگر استغراق بود و مقصود آیه، خانه‌های همسران پیامبر (ص) بود باید مثل آغاز آیه (و قرن فی بیوتکن) با صیغه جمع «اهل البیوت» می‌آمد. دو خانه به پیامبر اسلام (ص) منسوب است یکی خانه حقیقی که از سنگ و گل ساخته شده که با صیغه جمع آمده است و مربوط به زنان پیامبر (ص) است و هر کدام از آنان خانه جداگانه ای داشته اند، مکانی مانده آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا / احزاب؛ ۵۳» و زمانی مانند آیه شریفه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ... وَادْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ» که به خاطر انتسابش به پیامبر مورد تکریم است، و یک خانه حقوقی دارد که مربوط به بیت نبوت و رابط بین زمین و آسمان است که با صیغه مفرد آمده است. «أَهْلَ الْبَيْتِ» و به افراد خاصی تعلق دارد و این همان خانه معهود است.

۲- قرآن کریم، نزول تدریجی داشته است. آیاتی که با یکدیگر نازل شده‌اند، به لحاظ معنایی ارتباطی دقیق و عمیق دارند. آیاتی که با هم نازل شده‌اند، ممکن است، قطعات یک سوره یا حتی تمام یک سوره باشند. اما اگر سوره‌ای در پنج مرحله نازل شده باشد، باید پنج ارتباط متفاوت داشته باشد. همچنین ممکن است در یک سوره، یک آیه به تنهایی نازل شده باشد و یا یک آیه در لابلای آیات دیگری آمده باشد و در نتیجه با آیات

^۶ - و إنما أنكرت عليها الملائكة تعجبها ف «قَالُوا أَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ» لأنها كانت في بيت الآيات و مهبط المعجزات و الأمور الخارقة للعادات، فكان عليها أن تتوقر، و لا يزدھيها ما يزدھي سائر النساء الناشئات في غير بيوت النبوة، و أن تسبح الله و تمجده مكان التعجب، و إلى ذلك أشارت الملائكة صلوات الله عليهم في قولهم رَحِمْتَ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ أَرَادُوا أَنْ هَذِهِ وَ أمثالها مما يكرمكم به رب العزة و يخصكم بالإنعام به يا أهل بيت النبوة، فليست بمكان عجب. و أمر الله: قدرته و حكمته)

قبل و آیات بعد ارتباطی نیابد. «شهید بهشتی در کتاب روش برداشت از قرآن بر این نظریه تأکید دارند و می‌نویسند: «هیچ لزومی ندارد که تمام آیات یک سوره با هم ارتباط داشته باشند، بلکه تنها بین آیاتی که در یک مرحله نازل شده‌اند، می‌توان به دنبال تناسب و ارتباط بود.» (بهشتی، ص ۱۲ - ۱۵).

بنابراین، قرآن کریم برحسب ترتیب نزول (توسط پیامبر یا صحابه^۷) جمع آوری نشده است، چه بسیاری از آیات مکی که در بین آیات مدنی قرار گرفته و بر عکس. مثلاً گفته شده (تفسیر شبرص ۸۳) که آخرین آیه نازل شده بر رسول خدا (ص) آیه دویمت و هشتادویک (۲۸۱) سوره مبارکه بقره است: که می‌فرماید: «وَأَتَقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» یا گفته شده (یعقوبی ج ۲ ص ۳۵) آیه شریفه اکمال دین است که می‌فرماید: «...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا... (المائدة/ ۳)» که سرنوشتی همچون آیه تطهیر دارد.

۳- واگر اصرار شود که این آیات از وحدت سیاق برخوردارند، آنوقت گفته می‌شود که آیه تطهیر جمله معترضه است و مشابه آن در قرآن کریم که از بلاغت آن سرچشمه می‌گیرد وجود دارد. چنانچه در سوره یوسف آمده است: «فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قَدْ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكِنَّ إِنَّ كَيْدَكِنَّ عَظِيمٌ يَوْسُفُ أَعْرَضُ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ» (یوسف ۲۸ و ۲۹) همانطوری که در آیه‌ی فوق ملاحظه می‌شود «يَوْسُفُ أَعْرَضُ عَنْ هَذَا» به صورت معترضه آمده است. یا در سوره واقعه آمده است «وَأِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ (الواقعه/ ۷۶)» که در این آیه نیز «لَوْ تَعْلَمُونَ» جمله معترضه است.

یا در سوره نحا که می‌فرماید: «وَإِذَا بَدَلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (نحل/ ۱۰۱)» جمله «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ» معترضه است. از خصائص جمله معترضه این است که با حذف آن خللی در جملات قبل و بعد آن ایجاد نمی‌کند و آیه تطهیر نیز از همین باب است، یعنی با حذف آیه تطهیر خللی ایجاد نمی‌شود «وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكِنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ أُطِغْنَ اللَّهُ وَ رَسُولَهُ ... (۳۳) وَ اذْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكِنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَ الْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا (۳۴)»

^۷ - اگر بپذیریم که قرآن توسط صحابه جمع آوری شده باشد باید پذیرفت که قرار دادن آیه تطهیر در میان آیاتی که مربوط به زنان پیامبر است از خصائص صحابه است و از جمله عدوات آنان با اهل بیت نوت است.

۴- خطاب آیات قبل و بعد از آیه تطهیر، یا تهدید به طلاق است « یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَاجِكُمْ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسْرَحُكُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً (۲۸) » یا تهدید به عذاب است « یا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰) » یا دستور به تحدید است « وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى ... » یا دستور به خوف و رجاء است « وَ اذْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَ الْحِكْمَةِ ... (۳۴) » اما خطاب آیه، تطهیر مدح و تفضل و کرامت است « إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا (۳۳) » و این تفاوت بیانگر این است که مفاد این آیه غیر از مفاد آیات ماقبل و مابعد آن است. علامه مجلسی می فرماید: « مخاطبهٔ الزوجات مشوبهٔ بالمعاتبهٔ و التأنیب و التهديد و مخاطبهٔ أهل البيت (ع) محلاؤه بأنواع التلطف و المبالغة في الإكرام. » خطاب به همسران آمیخته به عتاب و تهدید است و خطاب به اهل بیت، آراسته به اکرام و لطف است (مجلسی، بحار الأنوار / ج ۳۵ / باب ۵ آیهٔ التطهیر ص : ۲۰۶)

ب) قرائن خارجی:

۱- اتفاق مفسران غیر از عکرمه و مقاتل^۱ این است که مخاطب آیه خانه علی ، فاطمه و فرزندان آنان حسن و حسین علیهم السلام هستند و سیزده نفر از صحابه از جمله عایشه و ام سلمه و عبدالله بن عباس و سعد بن ابی وقاص و انس بن مالک و ابوسعید خدری و زید بن ارقم و جابر بن عبدالله انصاری و ابوهریره ... تصریح کرده‌اند که این آیه در شأن پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) نازل شده است. (ر. ک : طبری ؛ تفسیر طبری ، ج ۲۲ ، ص ۵-۷ و سیوطی ؛ الدر المنثور ، ج ۵ ، ص ۱۹۸-۱۹۱) ؛ حدیث شریف کسا، از احادیث صحیح و مورد اتفاق شیعه و سنی است، که تردیدی در صحت و صدور آن از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم نیست که روزی رسول خدا

^۱ - دومین مردی که آیه ی تطهیر را درباره ی زنان پیغمبر، تأویل نموده مقاتل بن سلیمان است. علامه ی شرف

الدین می گوید: «او هم از دشمنان سرسخت امیرالمومنین است او هم سعی و کوشش فراوان داشت، حتی المقدور فضائل مسلم علی علیه السلام را، از اذهان بزدايد.

(صلی الله علیه وآله) زیر پارچه‌ای شبیه عبا قرار گرفت و حضرت علی و حضرت فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) را زیر آن جای داد و از آنان به عظمت و بزرگی یاد نمود و آن جمع را مصداق آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» معرفی کرد. نظام نیشابوری که از متکلمان و مفسران بزرگ اهل سنت است در تفسیر خود «غرائب القرآن» می‌گوید: همانطور که در ذیل آیه مباحثه هم ذکر گردید مراد از اهل بیت، اهل عبا (کساء) هستند و این را اجماعی دانسته و گفته است صحیح این است که حضرت علی علیه السلام نیز از آن‌ها می‌باشد (نیشابوری، نظام الدین، تفسیر غرائب القرآن، ج ۵ ص ۴۶۱)

۲- مسلم در صحیح خود، از عایشه نقل کرده‌اند که: آیه «انما یرید الله» در خانه ام سلمه نازل گردید، پیامبر فاطمه، حسن و حسین را در زیر عبا، قرار داد، و علی پشت سر او قرار داشت او را با کسایی پوشانید و چنین گفت: پروردگارا اینان اهل بیت من هستند، پلیدی‌ها را از آنان دور کن و آنان را پاکیزه گردان. ام سلمه گفت: ای پیامبر خدا من نیز از آنان هستم؟ فرمود: تو در جای خود باش و تو در طریق خیرهستی. (صحیح مسلم، ۴، ۱۸۸۳ ح ۲۴۲۴).

۳- ترمذی در سنن خود از عمر بن ابی سلمه نقل کرده است که: «أنه قال: لما نزلت هذه الآية على النبي صلى الله عليه وسلم: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً في بيت أم سلمة دعا النبي صلى الله عليه وسلم فاطمة و حسنا و حسيناً، و جعل علياً خلف ظهره، و جللهم بكساء، ثم قال: اللهم إن هؤلاء أهل بيتي، فأذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهيرا. قالت أم سلمة: و أنا معهم يا نبي الله. قال: أنت علي مكانك و أنت علي خير» عمر بن ابی سلمه (ربیب پیغمبر) روایت کرده است که وقتی: آیه إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً نازل شد، آن بزرگوار در خانه ام سلمه بود، پس حسن و حسین و فاطمه را نزد خود خواند و آنان را در پیش خود نشانید آنگاه علی (علیه السلام) را خواند و او را در پشت سر خود جای داد، سپس بر خود و ایشان کسائی پوشانید و گفت: «اللهم هؤلاء اهل بيتي فأذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهيرا» ام سلمه پرسید: «انا معهم؟ قال: انت علي مكانك و انت علي خير» ام سلمه پرسید آیا من نیز از جمله ایشان هستم؟ پیغمبر فرمود: تو در جای خود می‌باشی و تو به سوی خیر می‌باشی، (وترمذی، سنن، ۵، ۶۶۳)

۳- ابن عربی در کتاب احکام القرآن پس از ذکر روایت فوق از انس بن مالک روایت می کند: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَمُرُّ بِبَابِ فَاطِمَةَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ إِذَا خَرَجَ إِلَى صَلَاةِ الْفَجْرِ يَقُولُ: الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا. خَرَجَ هَذِينَ الْحَدِيثِينَ التِّرْمِذِيُّ وَ غَيْرُهُ (ابن عربی محمد بن عبدالله بن ابوبکر، احکام القرآن ج ۳ ص ۱۵۳۸) رسول خدا (ص) به مدت شش ماه هنگام نماز صبح جلوی خانه فاطمه عبور می کرد و می فرمود: نماز ای اهل بیت سپس آیه شریفه را تلاوت می فرمود.

۴- احتجاجات حضرت علی علیه السلام و امام سجاد علیه السلام

الف- اقرار ابوبکر در حضور مهاجر و انصار به نزول آیه تطهیر در شأن اصحاب کساء علی بن ابراهیم در تفسیر خود با سند موثق از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: زمانی که با ابوبکر بیعت شد و پایه های حکومت او بر تمام مهاجرین و انصار محکم گشت. شخصی را به فدک فرستاد تا وکیل حضرت فاطمه سلام الله علیها را از آن جا بیرون نماید.

آنگاه حضرت فاطمه سلام الله علیها نزد ابوبکر رفت ، سپس فرمود: چرا مرا از میراث خود که از پدرم به من رسیده، محروم کردی؟ و نماینده ام را از فدک بیرون نمودی و حال آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به امر خدای متعال برای من قرار داده است. ابوبکر گفت: بر این مطلب شهودی بیاور. حضرت زهرا سلام الله علیها امّ یمن را به عنوان شاهد آورد ... ام ایمن گفت: پس شهادت می دهم به این که خدای متعال به رسول خدا وحی فرمود که حق خویشاوندان را بده. و پیامبر به امر خدای متعال فدک را برای فاطمه سلام الله علیها قرار داد.

سپس حضرت علی آمد و همانند ام ایمن شهادت داد و ابوبکر نامه ای برای حضرت زهرا نوشت و فدک را به آن حضرت باز گرداند. که ناگهان عمر رسید و نامه را از فاطمه سلام الله علیها گرفته و در آن آب دهان انداخت و آن را پاره کرد و گفت : این فیء مسلمین است و شهادت ام ایمن و علی علیه السلام را نپذیرفت....

بعد از این جریان علی علیه السلام نزد ابوبکر آمد در حالی که او در مسجد بود و مهاجرین و انصار در اطراف او جمع شده بودند. « فَقَالَ: يَا أَبَا بَكْرٍ! لِمَ مَنَعْتَ فَاطِمَةَ مِيرَاثَهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؟ وَ قَدْ مَلَكَتْهُ فِي حَيَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. »

پس علی فرمود: ای ابوبکر! چرا میراث فاطمه از پیامبر را منع کردی؛ در حالی که در زمان حیات رسول خدا مالک آن بود. ابوبکر گفت فدک فیء مسلمین است اگر فاطمه اقامه ی شهود می کرد بر این که رسول خدا آن را برای فاطمه قرار داده است از آن او بود، و الا هیچ حقی در فدک ندارد.... « قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ : يَا أَبَا بَكْرٍ تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ؟ » سپس امیرالمؤمنین خطاب به ابوبکر فرمود: ای ابوبکر! آیا قرآن می خوانی؟ گفت: آری. « قَالَ: أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) فِيمَنْ نَزَلَتْ، فِينَا أَمْ فِي غَيْرِنَا؟ قَالَ: بَلْ فِيكُمْ، » فرمود: آیه ی تطهیر درباره ی چه کسی نازل شده است؟ گفت: درباره ی شما. « قَالَ: فَلَوْ أَنَّ شُهُودًا شَهِدُوا عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ بِفَاحِشَةٍ، مَا كُنْتُ صَانِعًا بِهَا؟ قَالَ: كُنْتُ أَقِيمُ عَلَيْهَا الْحَدَّ كَمَا أَقِيمُهُ عَلَى نِسَاءِ الْمُسْلِمِينَ؛ » فرمود: اگر عده ای علیه فاطمه به کار زشتی شهادت دادند، تو چه می کنی؟ گفت: براو حد جاری می کنم. « قَالَ: إِذَنْ كُنْتُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْكَافِرِينَ؛ قَالَ: وَ لِمَ؟ » فرمود: در این صورت، تو کافر خواهی شد. گفت: چرا؟ « قَالَ: لِأَنَّكَ رَدَدْتَ شَهَادَةَ اللَّهِ بِالطَّهَارَةِ وَ قَبِلْتَ شَهَادَةَ النَّاسِ عَلَيْهَا،.... » فرمود: برای این که تو شهادت خدا را مبنی بر این که پاک است، رد کرده ای و شهادت مردم را علیه او قبول کرده ای.... (تفسیر قمی ج ۱ ص ۲۸۴)

ب- احتجاج امام امیرالمؤمنین علیه السلام در روز شورا (که به انتخاب عثمان منتهی شد) با اشاره به آیه تطهیر، فرمود: اُنشِدْكُمْ اللَّهُ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ آيَةَ التَّطْهِيرِ عَلَى رَسُولِهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) ((إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)) فأخذ رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) كساءً خيبرياً فضمّني فيه وفاطمة والحسن والحسين، ثمّ قال: ياربّ هؤلاء أهل بيتي فأذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا غيري؟ قالوا: اللّهم لا! « شما را به خدا قسم می دهم آیا در میان شما کسی هست که آیه تطهیر درباره او نازل شده باشد؟ آن هنگام که پیامبر خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) من و فاطمه و حسن و حسین را زیر عبای خیبری گردآورد و گفت: خدایا! اینها اهل بیت من هستند پس رجس و پلیدی را از ایشان دور کن و پاک و مطهرشان گردان. اعضای شورا همگی جواب دادند (نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۷۲، ح ۹۰، ذیل آیه، به نقل از: الخصال، ج ۲، ص ۵۶۱، أبواب الأربعین؛).

ج-احتجاج امام سجاد(ع) در شام به آیه تطهیر. وقتی قافله اسیران کربلا به دمشق رسید، در کنار کوچه‌ها مردم ایستاده بودند و تماشا می‌کردند. پیرمردی از شامیان جلو آمد و در مقابل قافله اسیران ایستاد و گفت: شکر خدای را که شما را کشت و شهرهای اسلام را از شرّ مردان شما آسوده ساخت و امیرالمؤمنین یزید را بر شما پیروزی داد.

امام زین‌العابدین(ع) به آن پیرمرد، که در آن سن و سال از تبلیغات زهرآگین اموی در امان نمانده بود، فرمود: «أما قرأت فی الأحزاب (إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت و یطهرکم تطهیراً) ای شیخ، آیا قرآن خوانده‌ای؟ گفت: آری. آیا آیه «إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس» را در سوره احزاب خوانده‌ای؟ قال: ولأنتم هم؟ عرض کرد: مگر مراد این آیه شما هستید؟ قال (علیه السلام): نعم» فرمود: بله، مقصود آیه ما هستیم (رک: احتجاج، ج ۲، ص ۱۲۰) علاوه بر روایت مسلم در صحیح و ترمذی در سنن احتجاج امام علی در مسجدالنبی(ص) و اقرار ابوبکر و احتجاج در روز شورا و اقرار اعضاء و احتجاج امام سجاد (ع) در شام و تعجب مرد شامی دلیل بر مسلم بودن اهل بیت به اصحاب کساء است.

ب)-منظور از اراده در عبارت «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ» اراده تکوینی است یا تشریحی؟ مقصود از اراده‌ای که در آیه آمده «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ» دو احتمال قابل تصور است:

۱- مقصود اراده تشریحی باشد؛ منظور از اراده تشریحی آن است که خداوند در مقام قانون‌گذاری، فعلی را واجب یا حرام کند و از بندگان خود انجام یا ترک آن را بخواهد. یعنی خداوند خواسته اهل بیت با اجرای دستورات الهی به طهارت و پاکی برسند و اراده تشریحی تخلف پذیر است، بنابراین این در صورتی آنان به پاکی می‌رسند که به دستورات پایبند باشند و گرنه این طهارت تحقق نخواهد یافت.

۲- مقصود اراده تکوینی باشد؛ یعنی خداوند از باب تفضل و کرامت خواسته است که اهل بیت (ع) را از پلیدی پاک نماید. چون اراده تکوینی تخلف ناپذیر است، تحقق آن که تعلق مشیت الهی بر پاکی آنان باشد، حتمی است و گرنه ناتوانی خداوند را به دنبال دارد. احتمال اینکه اراده، اراده تشریحی باشد به چند دلیل منتفی است.

۱- کاربرد واژه «إِنَّمَا» مفید آن است که اراده الهی محدود و منحصر به دسته خاصی است و شامل دیگران نمی‌شود چون انما حصر در افراد است نه حصر در موضوع یعنی اذهاب رجس از افراد خاصی که مراد اصحاب کساء است. اولاً، اگر اراده تشریحی باشد در این صورت حصر منتفی است. ثانیاً، اراده تشریحی خداوند بر تطهیر همه آدمیان است و

اختصاص به گروه خاصی ندارد. در سوره مائده می فرماید: «مَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (المائدة/۶)

۲- لسان آیه گویای مدح و ستایش و کرامت اهل بیت است؛ حال آنکه کسب طهارت با تبعیت از قوانین الهی، ویژه دسته خاصی از مردم نیست (ر. ک: طبری؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۱۲). چنانچه در سوره مائده آمده است.

۳- اراده تشریحی در جائی متصور است که اراده الهی به فعل غیر تعلق بگیرد یعنی در واقع اراده الهی از مجرای اراده عبد تحقق یابد و چون اراده الهی تمام علت نیست، امکان تخلف دارد. اما اراده در آیه مورد بحث به فعل عبد تعلق نگرفته بلکه به فعل خود خدا تعلق گرفته است و چون اراده تمام علت است، تخلف ناپذیر است.

بنابراین کلمه «انما یزید» بر اراده تکوینی که تخلف ناپذیر است، دلالت دارد، از این رو تخلفی در این اراده راه نمی یابد چون به فعل خود خدا تعلق گرفته است، مانند آیات: بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (البقرة/۱۱۷) قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (آل عمران/۴۷) «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ /یس. ۸۲» هُوَ الَّذِي يَخْبِي وَيَمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (غافر/۶۸) و خداوند علت فاعلی سراسر جهان امکان است «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ /بقره. ۱۴۸»

از طرف دیگر، مخاطب آیه، شامل هرکس که بشود، باید معصوم باشد و قطعاً همسران پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را شامل نمی شود زیرا هیچ کس ادعای عصمت درباره آنان نکرده است و دیگر اینکه آنها گاهی مرتکب گناه می شدند. در سوره ی تحریم می خوانیم: پیامبر رازی را به بعضی از همسرانش فرمودند و او امانت داری نکرد و به دیگری گفت. قرآن این عمل را گناه نامیده و فرمود: «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْريلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (التحریم/۴) و رفتار عایشه در جنگ جمل، مخالف محتوی آیه تطهیر است.

نتیجه

واژه «رجس» به معنی شیء ناپاک است خواه ناپاک از نظر طبع آدمی باشد یا به حکم عقل یا شرع و «رجس» به معنی «گناه» یا «شرک» یا «بخل و حسد» و یا «اعتقاد باطل» بیان مصداق هائی از آن است، و گرنه مفهوم این کلمه، مفهومی عام و فراگیر است. بنابراین هر چیز ناپسند و هر زشتی نفرت انگیز که طبع انسان از آن بدش آید «رجس» است. به عبارت دیگر، هر چیزی که نامناسب به حال انسان باشد و عُرف عادل و عقل سالم آن را ناپسند بشمارد، رجس است، خواه ظاهری باشد؛ مانند میت، خون و خوک: (إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ) (انعام، آیه ۱۴۵)؛ خواه باطنی و معنوی؛ مانند رذایل اخلاقی: (وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ) (توبه، آیه ۱۲۵) و (كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ) (انعام، آیه ۱۲۵)،

طهارت به طهارت جسمی و روحی تقسیم می شود و عموم آیات قرآن بر این دو معنی حمل شده است. و «طَهَّرَكِ» در باره حضرت مریم، علاوه بر تطهیر از عادت ماهانه، تطهیر از همه رذایل اخلاقی است. بنابراین، اگر حضرت مریم که شامل اصطفاى الهی قرار گرفت و خداوند وی را از ارجاس و انجاس ظاهری چون حیض و نفاس و رذایل اخلاقی و معنوی پاک و تطهیر کرده است، به طریق اولی این طهارت مخاطبین آیه تطهیر نیز شامل می شود و آنان نیز از این ارجاس و پلیدی ها مبرا بودند.

با توجه به اینکه در آیه تطهیر کلمه «اهل البیت» آورده و آیات قبلش یا نِسَاءَ النَّبِيِّ است. و ضمیر مؤنث تبدیل شده به ضمیر مذکر. (عَنْكُمْ نَهَ عُنْكُمْ / وَيُطَهِّرْكُمْ نَهَ وَيُطَهِّرْكُمْ) و از طرف دیگر، آیات قبل و بعد از این آیه که راجع به زنان پیغمبر است، همه تکلیف و تهدید و خوف و رجاء و امر است. درحالیکه آیه تطهیر مدح و تفضل و کرامت است. بنابراین مراد از اراده، ارده تکوینی است زیرا اراده تشریعی خدا پاکی همه مردم است و مراد از اهل البیت ذوات نوریه آن حضرات علیهم السلام می باشند. و مراد از تطهیر پاک نگهداشتن آنان بنحو دفع، از هر چیزی که ناپسند و خلاف طبع آدمی است، می باشد.

منابع

١. قرآن کریم
٢. إبراهيم مصطفى، أحمد الزيات، حامد عبد القادر، محمد النجار، المعجم الوسيط، تحقيق: مجمع اللغة العربية، بی جا، دار الدعوة، بی تا
٣. ابن عربي، محمد بن عبدالله بن ابوبکر، احکام القرآن، بی تا، بی جا.
٤. ابن فارس، ابوالحسن احمد بن فارس، (١٤٠٤ق) معجم مقاییس اللغة، عبد السلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول
٥. ألوسی البغدادی، أبی الفضل شهاب الدین السید محمود، (١٤١٤ق) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول
٦. امام رضا (ع)، صحیفه الامام الرضا (ع) (١٤٠٦ق)، بی جا، چاپ کنگره جهانی امام رضا (ع)، چاپ اول،
٧. أندلسی، أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عطیة، (١٤١٣ق) المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، لبنان، دار الکتب العلمیة، چاپ اول
٨. بهشتی، محمد حسین، (١٣٦٠ش) روش برداشت از قرآن، انتشارات هادی، ص ١٢ - ١٥.
٩. ثعالی، عبدالرحمن بن محمد، (١٤١٨) جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول
١٠. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، (١٤٢٢ق) الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول،
١١. جصاص، احمد بن علی، (١٤٠٥ق) احکام القرآن (جصاص)، بیروت، دار إحياء التراث العربی
١٢. جوادی آملی، عبدالله، (١٣٨٨) ادب فنای مقربان، جلد ٣، قم، نشر اسراء، چاپ پنجم،
١٣. جوادی آملی، عبدالله، (١٣٨٩ش) ادب فنای مقربان، جلد ٥، قم، نشر اسراء، چاپ سوم
١٤. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، (١٣٨٦ش) جلد ٢، قم، نشر اسراء، چاپ ششم
١٥. جوادی آملی، عبدالله، (١٣٨٥ش) تسنیم، جلد ١١، قم، نشر اسراء، چاپ اول
١٦. جوادی آملی، عبدالله، (١٣٨٧ش) تسنیم، جلد ١٤، قم، نشر اسراء، چاپ اول
١٧. رازی، فخرالدین محمد ابن عمر، (١٤٠٥) التفسیر الکبیر، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم
١٨. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (١٤١٢) المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالعلم الدار الشامیة، چاپ اول.
١٩. زمخشری، محمد، (١٤٠٧ق) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دارالکتب العربی، بیروت، ١٤٠٧ق
٢٠. سیوطی، جلال الدین، (١٤٠٤ق) الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ١٤٠٤ق.
٢١. شبر، عبدالله، (١٣٩٧) تفسیر القرآن الکریم، دار احیاء التراث العربی

۲۲. شبیبانی، محمد بن حسن، (۱۴۱۳ق) نهج البیان عن كشف معانی القرآن، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، چاپ اول
۲۳. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، (۱۳۶۲ش) الأمالی، قم، انتشارات کتابخانه اسلامی، چاپ چهارم
۲۴. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، (۱۴۰۴ق) من لایحضره الفقیه، قم، جماعة المدرسین، چاپ دوم
۲۵. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۶ش) الأمالی - تهران، چاپ: ششم
۲۶. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴ش) ترجمه تفسیر المیزان، موسوی همدانی سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم
۲۷. طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، (۱۳۶۰ش) تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اول
۲۸. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق) جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول
۲۹. طوسی، ابو جعفر محمد ابن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۰. طبری کیاهراسی، ابوالحسن علی بن محمد، (۱۴۰۵) احکام القرآن، بیروت
۳۱. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق) نورالثقلین، سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم
۳۲. کاشانی، ملا فتح الله، (۱۴۲۳ق) زبده التفاسیر، قم، بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول
۳۳. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ق) بحار الانوار، (۱۱۰ج)، بیروت، مؤسسه الوفاء
۳۴. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۵) مجموعه آثار، صدرا
۳۵. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰ش) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران
۳۶. مکارم شیرازی، (۱۳۶۳) تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه. قم
۳۷. نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ق) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، (۱۸ج)، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول
۳۸. هندی، متقی، (۱۴۱۳ق) کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله

